

در آمدی به نظریه نثر

علیرضا فولادی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

چکیده

کاربرد فراگیر نثر در زبان گفتار و نوشتار باعث نشده است تا صاحب نظران عملاً آن را هم‌ارز نظم تلقی کنند. براین پایه، هنوز یک تعریف مشخص از نثر در اختیار نداریم. شاید دلیل این کاستی، دشواری تعریف این نوع سخن یا بداهت وجودی آن باشد؛ اما فیلسوفان، بلاغیان، عروضیان، سبک‌شناسان، منتقدان و زبان‌شناسان، ضمن بحث‌های عام‌تر یا خاص‌تر، کمابیش به توصیف و گاه تعریف نثر تمایل نشان داده‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است پس از واکاوی تعریف‌های پیشین نثر به تعریف منطقی آن بپردازد این مقاله به دنبال نقد دیدگاه‌های پیشینیان، سرانجام نتیجه می‌گیرد که نثر عبارت است از «کلام متصل»، ولی مشخصه ممیز بارز نثر در مقابل نظم، این است که در نثر، قوانین آوایی-نحوی زبان بر چیدمان سخن حکم می‌راند و در نظم، قوانین وزنی-موسیقایی از بیرون روی آن قوانین بار می‌شود و چیدمان سخن را دگرگون می‌کند. همچنین نثر موزون، شعر منثور، نثر ادبی و نثر مسجع از جهت عوامل نثریت و نظمیت آنها مورد بحث قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: نثر، نظم، شعر، نثر موزون، شعر منثور.

* fouladi@mail.kashanu.ac.ir

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، ایران.